

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زیارت قبور اولیا خدا و توسل
و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

دوره یازدهم، شماره سوم

دوره یازدهم، شماره سوم / ۳

نام جزوه: زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- تصرف در تشریح الهی یا «بدعت در دین» ۱۴
- تحریم بدعت در کتاب و سنت ۲۷

دوره یازدهم، شماره سوم / ۵

توحید ابراهیمی که اساس همه شرایع آسمانی را تشکیل می دهد، درجات و مراتبی دارد که متکلمان اسلامی درباره آنها به صورت گسترده سخن گفته و کتابها و رساله‌هایی در این مورد نوشته‌اند.

یکی از مراتب آن، «توحید در تقنین و تشریح»

است. یعنی «قانون‌گذاری» حق مختص خدا است و هیچ فردی حق ندارد درباره فرد یا جامعه‌ای قانون وضع کند و مردم را به عمل بر طبق آن، مجبور سازد و حریت و آزادی مردم را از این طریق محدود نماید. بلکه لازم است هر شخص موحدی قلباً و عملاً ملتزم شود که قانون‌گذاری و محدود کردن آزادی افراد، حق ویژه الهی است و تنها او است که می‌تواند با تشریح خود، در نفوس و اموال مردم تصرف کند و

۶ / زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

به اصطلاح امر ونهی نماید؛ و این مطلب را از دو راه «عقل» و «نقل» می توان تحلیل کرد. نخست به بیان داوری عقل در این مورد می پردازیم.

قانون گذاری صحیح شروطی را می طلبد، که در غیر خدا نمی توان سراغ گرفت و آن شروط عبارت اند از:

۱. قانون گذار باید انسان شناسی کامل باشد؛

۲. قانون گذار باید در وضع قانون، سودی

نداشته باشد؛

۳. از ملاحظات خطی و حزبی و گروهی و

هراس از صاحبان قدرت بری و منزّه باشد.

این سه شرط به گواهی تحلیل زیر، تنها در

آفریدگار جهان موجود است؛ و لا غیر. زیرا:

دوره یازدهم، شماره سوم / ۷

الف) قانون گذار باید انسان شناس کامل باشد تا از غرایز و عواطف انسان‌ها آگاه باشد و نتیجه تمایلات و گرایش‌های او را به‌طور دقیق اندازه‌گیری و هدایت کند.

قانون گذار باید جامعه‌شناس باشد، تا از وظایف افراد در جامعه و مصالح و مفسد اعمال آنان و واکنش‌های زندگی اجتماعی و عکس‌العمل روابط انسان‌ها به‌خوبی مطلع باشد و چنین فردی، کسی جز خالق و آفریدگار انسان‌ها نیست. اوست که انسان را آفریده و از رموز مصنوع خود آگاه است.

خداوند که سازنده اتم‌ها و سلول‌های بی‌شمار و ترکیب دهنده قطعات گوناگون وجود انسان است،

۸ / زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

قطعاً از نیازمندی‌های نهان و آشکار و مصالح و مفاسد مخلوق خویش از دیگران آگاه‌تر است. او با علم گسترده خویش، از روابط افراد و واکنش این پیوندها و وظایفی که مایه انسجام اجتماع می‌گردد و حقوقی که شایسته مقام هر انسانی است، آگاهی کامل دارد.

ب) واقع بینی و حفظ مصالح انسان‌ها ایجاب می‌کند که قانون‌گذار از هر نوع سودجویی در تدوین قانون، پیراسته باشد. زیرا گزینه «خودخواهی» و «منفعت‌طلبی»، حجاب غلیظی میان قانون‌گذار و واقع‌گرایی پدید می‌آورد و قانون‌گذار هر چه هم دادخواه و واقع بین و منصف باشد بی اختیار تحت تأثیر خودخواهی قرار می‌گیرد.

دوره یازدهم، شماره سوم / ۹

ج) هراس و ملاحظه از اشخاص، گروه‌ها و جریان‌های پرنفوذ و قدرتمند اجتماعی، از دیگر عواملی است که قانون‌گذار را از رعایت اصول قانون‌گذاری و تدوین قوانین بی‌طرفانه و درعین‌حال جامع‌الاطراف بازمی‌دارد و مانع آن می‌شود که در نگارش قانون، تنها به مصالح عمومی بیندیشد و صرفاً آنچه را که خیر عامه در آن است به‌صورت ماده و تبصره در کتاب قانون درج کند.

در اینجا نیز تنها ذات احدیت است که ترس و هراس از گزند هیچ قدرتی، در حوزه کبریایش راه ندارد و بی‌ملاحظه سود و زیان خود، قوانین مقتضی را برای بشر وضع می‌کند.

۱۰ / زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

قرآن نیز حکم عقل را در این باره امضا کرده و هر نوع قانون‌گذاری را مخصوص خدا می‌داند آیات متعددی در این کتاب شریف به حقیقت یادشده تصریح دارد که برای اختصار، تنها به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ؛^۱

حکم و فرمان از آن خداست - لذا - فرمان داده است که فقط او را پرستید این است دین استوار.

جمله **إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ** حاکی از آن است که همه نوع حکم و فرمان از آن خداوندست و چون

دوره یازدهم، شماره سوم / ۱۱

این مقام از آن او می‌باشد فرمان داده است که فقط او را پرستید.

۲. اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ؛^۱

اهل کتاب، دانشمندان و رهبانان خویش و حضرت مسیح بن مریم را ربّ و اختیاردار خودشان جز خدا اتخاذ کردند.

این آیه می‌رساند که اهل کتاب، حق مختص به خدا را به دست دانشمندان و راهبان خود سپرده بودند؛ و به‌جای این‌که در اخذ احکام الهی به کتاب‌های آسمانی خود مراجعه کنند به دانشمندان و راهبان غیر صالح خود مراجعه کرده و این در حالی

۱. سوره توبه، آیه ۳۱.

۱۲ / زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

بود که می دانستند که گاهی آن‌ها به عللی حلال خدا را حرام و حرام او را حلال معرفی می کردند و از این جهت از نظر «توحید در تشریح» موحد، نبودند.

عدی بن حاتم مسیحی می گوید: به محضر پیامبر گرامی وارد شدم و او این آیه را تلاوت می کرد، که مضمون آن این است که یهودیان و مسیحیان علمای دین را «ربّ» و اختیاردار خود اخذ کرده بودند. من به آن حضرت گفتم چنین چیزی صحت ندارد.

پیامبر فرمود: آن‌ها حلال خدا را حرام می کردند و درعین حال، شما از ایشان پیروی کردید، غیر از این است؟!

گفتم: بله، همین طور است.

دوره یازدهم، شماره سوم / ۱۳

فرمود: همین کافی است که گفته شود شما
آن‌ها را ربّ و اختیاردار خود قرار داده‌اید.^۱

از مبحث فوق، روشن شد که دستگاه تشریح و
تنظیم قانون، صرفاً در دست خدا است و کار پیامبران
و امامان، بیان تشریح و قانون الهی هست و آنان
هرگز در قوانین الهی تصرف نمی‌کنند.^۲

در اینجا پاسخ یک سؤال باقی است و آن
این‌که: اگر تقنین و تشریح حقی است مختص

۱. اصول کافی.

۲. پذیرفته شدن «تشریح» پیامبر در موارد چهارگانه که مرحوم
کلینی از آن در اصول کافی، ج ۱، صص ۲۰۹ - ۲۱۰ یاد کرده
است برای خود تفسیر علمی دارد که با اصل «توحید در
تشریح» مخالف نمی‌باشد به کتاب مفاهیم القرآن، ج ۱،
صص ۵۵۳ - ۵۵۴ مراجعه فرمایید.

۱۴ / زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

خداوند؛ در این صورت، قوه مقننه در کشور که تجلی گاه آن مجلس شورای اسلامی است چه نقشی ایفا می‌کند؟

پاسخ این است که کار نمایندگان مجلس - در چارچوب اصول و قوانین کلی اسلام - برنامه‌ریزی است نه جعل قانون در برابر قوانین خدا هیچ کشوری هرچند هم قانون مترقی داشته باشد از برنامه‌ریزی بی‌نیاز نیست و در حقیقت قوانین مجلس، راه کارهای اجرای قوانین اسلام و تطبیق آن بر جزئیات و زندگی انسان، را تعیین می‌کند.

تصرّف در تشریح الهی یا «بدعت در دین»

همان‌طور که وضع قانون، مختص خداست و کسی حق ندارد برای فرد یا جامعه قانون وضع کند،

دوره یازدهم، شماره سوم / ۱۵

همچنین هیچ‌کسی حق ندارد در قوانین مصوّب الهی که از طریق وحی الهی به مردم می‌رسد دخل و تصرف کند. تصرف در قانون الهی - خواه به صورت افزایش باشد و خواه به صورت کاهش - «بدعت» نامیده می‌شود.

به علت مفاسدی که دخل و تصرف در قوانین الهی دربر دارد «بدعت» از گناهان کبیره به شمار می‌رود و هدف از مقاله حاضر ارائه تعریفی دقیق از معنی بدعت است تا روشن شود که زیارت قبور انبیاء و امامان و توسّل به آنان بدعت در دین نیست.

«بدعت» در لغت، به معنی عمل بی سابقه است. هر کار نوی که بدون سابقه انجام بگیرد در لغت به آن «بدعت» می گویند.^۱

روحیه نوآوری و نوظواهری بر اکثر انسانها حکومت می کند و آنان غالباً از زندگی یکنواخت به ستوه می آیند. لذا طراحان و مهندسان هرروز تغییرات جدیدی در نقشه و نمای ساختمانها و کیفیت لباسها پدید می آورند و عمل همه آنها در لغت «بدعت» یا «بدیع» نامیده می شود. به همین اعتبار است که قرآن، خداوند را باصفت «بدیع» معرفی می کند:

۱. ترتیب العین خلیل فراهیدی، ج ۷۲؛ مقائیس ابن فارس، ج ۱، ص ۲۰۹؛ مفردات راغب، ص ۲۸؛ قاموس فیروزآبادی، ج ۷، ص ۶.

دوره یازدهم، شماره سوم / ۱۷

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ.^۱

زیرا او آسمان‌ها و زمین را بدون نقشه قبلی آفریده و آفرینش جهان، کاری کاملاً بدیع و بی سابقه بوده است.

ناگفته پیداست که «بدعت» به این معنا، مورد بحث ما نبوده و به اصطلاح، موضوع تحریم نیست. زیرا اسلام با نوآوری‌ها و نورپردازی‌ها در زندگی فردی و اجتماعی بشر مخالفت نداشته و ذوق نوخواهی را سرکوب نکرده است. امروزه بشر در شیوه زندگی خود از نظر مسکن و پوشاک، نوآوری‌هایی دارد که کاملاً بی سابقه است و این گونه امور، هرچند از نظر لغت «بدیع» و بی سابقه به شمار

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۷.

۱۸ / زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

می‌رود، هیچ‌یک «بدعت» اصطلاحی که از گناهان کبیره است، نیست.

در تاریخ می‌نویسند: نخستین بدعتی که در زندگی صحابه پس از درگذشت رسول خدا پدید آمد الک کردن آرد بود که سبوس آن را از آرد جدا می‌کرد. این پدیده فنی، مسلماً بدیع و بی سابقه بود، ولی بدعتی که از سوی فقهای اسلام حرام شمرده می‌شود نیست.

بنابراین، بدعتی که موضوع حکم شرعی است بایستی به دقت شناسایی و تعریف شود.

در اصطلاح متکلمان و فقیهان، بدعتی که جزو گناهان بزرگ به شمار می‌رود، آن عمل نوظهوری است که در دین خدا فزونی یا کاستی‌هایی پدید آورد؛ مثلاً وقت روزه را، که از نظر اسلام از طلوع

دوره یازدهم، شماره سوم / ۱۹

فجر آغاز شده و تا غروب خورشید ادامه می یابد، کم‌وزیاد کند.

محققان در تعریف بدعت چنین می گویند:

الف) بدعت، آن است که چیزی بر دین افزوده یا از آن کاسته گردد و این عمل، به حساب دین گذاشته شود.^۱

ب) بدعت، نوآوری در دین است درحالی که دلیلی بر جواز آن در شرع نباشد؛ و چنانچه این

۱. البدعة، الزیادة فی الدین أو النقصان منه، مع اسناد إلی

الدین. شریف مرتضی، الرسائل، ج ۳، ص ۸۳.

۲۰ / زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

نوآوری ریشه‌ای در شرع داشته باشد، «بدعت» نیست.^۱

ج) بدعت، ایجاد امر جدید در دین است، مشروط بر آنکه در دین، اصل و دلیلی بر جواز آن وجود نداشته باشد. به چنین چیزی در عرف شریعت، بدعت می‌گویند.^۲

۱. و المراد بالبدعة، ما أحدث و ليس له أصل في الشرع، و ما كان له أصل يدل عليه الشرع فليس ببدعة. ابن حجر عسقلانی فتح الباری، ج ۵، ص ۱۵۶، ج ۱۷، ص ۹.

۲. البدعة، ما أحدث و ليس له أصل في الشرع و يسمى في عرف الشرع بدعة ابن حجر هيثمی، التبيين بشرح الأربعة، ص ۲۲۱.

دوره یازدهم، شماره سوم / ۲۱

ما به همین سه تعریف بسنده کرده و از ذکر دیگر تعریف‌ها که تفاوت چندانی با تعاریف فوق ندارند، می‌گذریم.

بنابر تعریف‌های فوق، «بدعت» دارای عناصر سه‌گانه‌است که «بدعت» را از «سنت» جدا می‌سازد.

۱. تصرف در دین

تصرف در دین، افزودن چیزی بر دین یا کاستن چیزی از آن است و به عبارت دیگر هر نوع تصرفی که در دین دگرگونی ایجاد کند و عامل این تصرف نیز، عمل خود را به خدا و پیغمبر نسبت دهد، بدعت است. ولی آن نوآوری‌هایی که حالت پاسخگویی به روح تنوع خواهی و نوآوری انسان باشد، بدعت نخواهد بود. البته ممکن است چنین نوآوری جایز

۲۲ / زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

نباشد ولی در عین حال اصطلاحاً «بدعت» نامیده نمی‌شود.

از این بیان نتیجه می‌گیریم که یک قسمت از کارهای ما را، اعم از جایز و حرام، نمی‌توان اصطلاح «بدعت» بر آن‌ها گذارد، مانند فوتبال و بسکتبال و والیبال و امثال آن‌ها. این‌گونه پدیده‌های نو در زندگی، آن‌هم به صورت فراگیر، چون جنبه تصرف در دین را ندارد، بدعت اصطلاحی نخواهد بود.

نتیجه می‌گیریم که در بدعت، «تصرف در دین» نهفته است. بر این اساس، اگر نوآوران کار خود را حکم خدا و پیامبر بشمارند، کار آنان بدعت نخواهد بود.

۲. ریشه در کتاب و سنّت نداشته باشد.

دوره یازدهم، شماره سوم / ۲۳

شرط دوم برای صدق عنوان اصطلاحی بدعت، این است که برای نوآوری مزبور، دلیلی در مصادر و منابع اسلامی وجود نداشته باشد تا سند کار نوآوران بشمار رود، زیرا در این صورت تصرف در دین نخواهد بود بلکه تجسم بخشیدن به اصلی خواهد بود که مورد غفلت بوده و فرد نوآور آن را کشف و به منصفه ظهور رسانده است.

شرط فوق، صراحتاً در تعریف بدعت، لحاظ شده و علما نیز بر آن تأکید کرده‌اند. چه، به گفته آنان: «بدعت چیزی است که برای آن در شرع، اصل و دلیلی یافت نشود و در غیر این صورت بدعت نخواهد بود».

بر اساس این شرط، بسیاری از نوآوری‌ها که امروزه در زندگی ما پیدا شده، بدعت نیست. هرچند آن‌ها را به دین نسبت بدهیم. زیرا این نوع نوآوری‌ها ریشه در دین دارند و می‌توان مشروعیت آنها را به نحو خاص یا کلی، از متن کتاب و سنت استنباط کرد.

فی‌المثل، امروزه ارتش‌های جهان و ارتش نظام جمهوری اسلامی مجهز به تکنیک روز و سلاح‌های پیشرفته می‌باشند. این عمل، گذشته از این که نیروی دفاعی کشور را در برابر دشمن بالا می‌برد، می‌توان گفت جزو دستورات آیین مقدس اسلام است آنجا که می‌فرماید:

دوره یازدهم، شماره سوم / ۲۵

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ
الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ؛^۱

در برابر دشمنان آنچه توانایی دارید از نیرو
آماده سازید و همچنین اسب های ورزیده تا به وسیله
آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

در این آیه دو دستور وارد شده است که یکی از
آن دو، جنبه خصوصی و دیگری جنبه عمومی دارد:

۱. دستور عمومی

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ تا می توانید

نیرو تهیه کنید.

۲. دستور خصوصی

وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ؛

اسب‌های ورزیده برای میدان نبرد.

بنابراین ساختن یا خریدن ادوات جنگی پیشرفته روز، پاسخ به مفاد دستور نخست: لزوم تهیه نیروست و تجهیزات ارتش با سلاح‌های روز، در فرمان:

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ داخل می‌باشد.

بر پایه این آیه ما بالا بردن قدرت رزمی را به شرع نسبت می‌دهیم و این کار، مصداق «بدعت» نخواهد بود. زیرا درست است که از این گونه ادوات جنگی در شرع به‌طور خاص، ذکری به میان نیامده ولی فرمان مذکور در بخش نخست آیه، کسب این گونه ادوات را در برمی‌گیرد و وجود یک چنین اصل کلی، در اثبات مشروعیت آن کافی است.

دوره یازدهم، شماره سوم / ۲۷

با توجه به توضیحی که داده شد می‌توانیم
نیمرخی روشن از بدعت، ترسیم و مرزبندی کنیم.

تحریم بدعت در کتاب و سنت

بدعت نوعی دخالت در شئون ربوبی است. زیرا کار
«تقنین»، حق ویژه خداوند بوده و هر نوع مداخله در
شئون ربوبی، در حکم تعدی به حق الهی به شمار
می‌رود. گذشته از این، نسبت دادن «عملی که ریشه
دینی ندارد» به خدا و پیام‌آوران‌ش نوعی «افترا» است.
به خاطر همین دو جهت، قرآن بدعت را
نکوهش می‌کند. مثلاً؛ در مورد مشرکان که روزی‌های
الهی را بدون دلیل به دو نیم تقسیم کرده، بخشی را
حلال و بخشی را حرام معرفی کرده و هر دو را به
خدای بزرگ نسبت می‌دادند، قرآن چنین می‌فرماید:

۲۸ / زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

... قَلَّ اللَّهُ أَذْنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ...^۱

بگو آیا خدا به شما اذن داده یا بر خدا افترا

می بندید.

نیز می فرماید:

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ
وَهَذَا حَرَامٌ لَتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ
عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ^۲

به خاطر آنچه - زبان شما - به دروغ بیان

می کند، نه گویند این حلال است و این حرام، تا بر

خدا دروغ ببندید. به یقین کسانی که بر خدا دروغ

می بندند رستگار نخواهند بود.

۱. سوره یونس، آیه ۵۹.

۲. سوره نحل، آیه ۱۱۶.

دوره یازدهم، شماره سوم / ۲۹

نکوهش بدعت‌گذار در این آیه به علت
مداخله‌گری او در تشریح و قانون‌گذاری و افترا بستن
بر خداست، بدین معنا که، چیزی را بدون اذن
خداوند حلال یا حرام معرفی کرده و آن را به خدا
نسبت دهند.

قرآن یهود و نصاری را به این جرم که به کتاب
آسمانی دستبرد زده و سپس آن دست‌کاری‌ها را به
خداوند نسبت می‌دهند تا به مطامع مادی برسند،
نکوهش می‌کند:

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ
هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا
كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ^۱

۳۰ / زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

پس وای بر آن‌ها که نوشته‌ای به دست خود
می‌نویسند، سپس - به دروغ - می‌گویند این از جانب
خداست، تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای
بر آن‌ها از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان
از آنچه که از این راه به دست می‌آورند!

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در یکی از
خطبه‌های خود چنین می‌فرماید:

أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ خَيْرَ الْأُمُورِ كِتَابُ اللَّهِ وَ خَيْرَ الْهُدَى
هُدَى مُحَمَّدٍ وَ شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا وَ كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ؛^۱

بهترین چیزها کتاب خدا و بهترین رهنمون،
هدایت و راهنمایی محمد است و بدترین امور،

۱. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۷، ب ۷، ح ۴۵.

دوره یازدهم، شماره سوم / ۳۱

نوآوریها(ی بی‌ریشه در کتاب و سنت) و هر بدعتی
گمراهی است.

علاوه بر آیات و احادیث اسلامی، عقل و خرد
نیز به نکوهش بدعت و مذمت بدعت‌گذار حکم
می‌کند، زیرا تصرف در دین، نوعی تعدی به حقوق
ویژه الهی است آن هم توأم با افترا و دروغ و زشتی و
تحریم آن روشن است و نیاز به بیان بیشتری ندارد.

خلاصه

از بحث گذشته، نتیجه می‌گیریم:

۱. قانون‌گذاری، حق ویژه خداوند است و هر نوع مداخله جویی در این امر، از دیدگاه عقل، کاری قبیح و زشت بوده و شرعاً ممنوع و حرام است. قوه مقننه در نظام اسلامی نیز، در پرتو اصول و کلیات مستخرج از شرع، در حقیقت، برنامه‌ریزی می‌کند نه قانون‌گذاری.
۲. هر نوع تعدی به قلمرو تقنین، ممنوع است، هرچند به صورت تحریف صورت بگیرد. بنابراین افزودن یا کاستن چیزی از دین خدا، حرام بوده و بدعت شمرده می‌شود.
۳. مطالبی که ریشه قرآنی و حدیثی دارد، به هیچ وجه بدعت بشمار نمی‌آید. با این توضیحات، روشن است که چون جواز و استحباب شفاعت

دوره یازدهم، شماره سوم / ۳۳

خواهی از اول به خدا و زیارت قبور آنان و توسل به آنان، دلیل قرآنی و حدیثی دارد بدعت نیست. آیا تقسیم بدعت (در امور شرعی) به زیبا و نازیبا صحیح است؟!

یکی از تقسیم‌های رایج در برخی از نوشته‌ها، تقسیم بدعت به «زیبا» و «نازیبا» و به تعبیر آن‌ها، تقسیم بدعت به «حَسَن» و «سَيِّء» است. گفتیم که بدعت به مفهوم اصطلاحی آن، عبارت از آن‌گونه نوآوری است که اسلام آن را تشریح نکرده است و برای آن هیچ‌گونه دلیل و ریشه‌ای در کتاب و سنت یافت نمی‌شود و به دین نسبت داده شود، در این صورت، بدعت

نمی‌تواند جز گونه «زشت»، نوع دیگری داشته باشد.

بنابراین تقسیم بدعت به زشت و زیبا، تقسیمی ناروا و بدون موضوع است.

البته اگر مردم در زندگی روزمره خویش، دست به نوآوری‌هایی زده و آن را به خدا و پیامبر نیز نسبت ندهند، این کار به مفهوم لغوی لفظ، «بدعت» بوده و می‌تواند به دو گونه زشت و زیبا تقسیم شود. اصولاً آداب و رسوم نو که در میان ملل پدید می‌آید به زشت و زیبا تقسیم می‌شود. زیرا چه بسا ممکن است برخی از آن‌ها مفید و برخی دیگر غیرمفید باشد. اما بدعت در اصطلاح شرعی آن، یک قسم بیشتر ندارد و آن هم حرام و نامشروع است.

دوره یازدهم، شماره سوم / ۳۵

مانند اینکه مالک - پیشوای فرقه مالکیه - نقل می‌کند: مؤذن نزد عمر بن الخطاب آمد، تا او را از (دخول وقت) نماز صبح آگاه سازد چون وی را در خواب یافت برای بیدار کردن او گفت:

الصلاة خیر من النوم؛

نماز بهتر از خواب است.

او از این جمله خوشش آمد و گفت: آن را در بانگ اذان صبح قرار دهید.^۱

پاسداری دین از ظهور بدعت

عالمان، فقیهان و متکلمان، موظف به پاسداری از مرزهای دین و جلوگیری از هر نوع ظهور بدعت بوده و بر آنان فرض است که پیوسته مراقب سخنان

۱. موطأ مالک، ص ۷۸، رقم ۸.

۳۶ / زیارت قبور اولیا خدا و توسل و شفاعت خواهی از آنان بدعت نیست

گویندگان و نویسندگان غیرمتعهد باشند تا با بیانات به ظاهر فریبنده و زیبا، اندیشه‌های مسموم را در لعاب شیرین به خورد مردم ندهند. مصونیت هر فرد مسلمان نیز از لغزش در پرتگاه بدعت، درگرو آن است که دین خود را از سرچشمه زلال آن یعنی کتاب و عترت بگیرد. طبق نقل متواتر شیعه و اهل سنت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) امت اسلام را به کتاب خدا و تعلیمات اهل بیت (علیهم السلام) ارجاع داده و یادآور شده است که تمسک به این دو، تا روز قیامت، امت را از گمراهی و ضلالت بازمی‌دارد:

انی تارک فیکم الثقلین:

دوره یازدهم، شماره سوم / ۳۷

کتاب الله و اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض؛^۱

مردم، من در میان شما دو چیز گران بها به
یادگار می گذارم:

کتاب خدا و اهل بیتم و این دو از هم جدا
نمی شوند تا در حوض کوثر به من ملحق بشوند.
در حدیث دیگر، خاندان رسالت را به کشتی
نوح تشبیه کرده که هر کس بدان سوار شد نجات
خواهد یافت و هر کس از آن بازماند غرق می گردد.^۲

۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۱۴۸ و این حدیث، به صورت متواتر
نقل شده است.

۲. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۵۱.

امّت اسلامی هرگاه اصول و فروع دین خود را از خاندان رسالت (علیهم السلام) بگیرند، طبعاً از هدایت های الهی به نحو کامل و صحیح بهره مند شده و از هر نوع بدعت یا پیروی از بدعت گذاران در امان خواهند بود.

پایان